

رای هیأت عمومی دادگاه انتظامی در خصوص رفتار خلاف شئون وکالت

هیأت عمومی دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز

با احترام، نظر به اینکه شعبه دوم دادگاه انتظامی در پرونده کلاسه ۷۸۵/۶۷ از یک سو و شعب دوم و پنجم در پرونده‌های کلاسه ۱۵۰/۸۲ و ۲۴۷/۸۲ از سوی دیگر در مورد قلمرو رفتار خلاف شئون وکالت وکیل دادگستری موضوع قسمت دوم بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه تخلفات انتظامی به شرحی که ذیلاً به استحضار می‌رسد، نظرات متفاوتی ابراز کرده به طوری که به نظر دادسرای انتظامی، آراء صادره متهافت می‌باشد تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی به منظور صدور رأی وحدت رویه را دارد.

الف) گزارش مربوط به پرونده کلاسه ۷۸۵/۶۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی

دادسرای انتظامی کانون به شرح پرونده کلاسه فوق آقای.... را که بدون تحصیل اجازه از دادگاه اقدام به تجدیدفراش کرده است تحت تعقیب انتظامی قرار داده و با این توجیه که عمل وی خلاف شأن وکیل دادگستری است از دادگاه انتظامی تقاضای کیفر برای مشارالیه کرده است، شعبه دوم دادگاه انتظامی با پذیرش کیفرخواست صادره، وکیل موصوف را به دلیل ارتکاب عمل خلاف شئون وکالت به استناد قسمت دوم بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون به مجازات محکوم کرده است.

ب) گزارش مربوط به کلاسه ۱۵۰/۸۲ شعبه پنجم دادگاه انتظامی

دادسرای انتظامی کانون به شرح پرونده کلاسه فوق آقای.... وکیل دادگستری را که با اخذ وام از صندوق حمایت وکلا تعهد کرده است در اقساط ماهانه، وام مأخوذه را مستهلک کند ولی پس از پرداخت ۱۶ قسط از اقساط آن، از پرداخت بقیه اقساط در سررسید تعیین شده تخلف کرده است و چک تضمینی وی نیز منجر به صدور گواهی

عدم پرداخت گردیده است متخلف شناخته و با انطباق عمل وی با قسمت دوم بند یک ماده ۸۰ آیین نامه لایحه استقلال کانون برای وی تقاضای کیفر انتظامی کرده است لیکن شعبه پنجم دادگاه به شرح زیر مبادرت به صدور رأی برائت و کیل موصوف کرده است:

رأی دادگاه:

در خصوص شکایت صندوق حمایت وکلا علیه آقای.... وکیل دادگستری مبنی بر اینکه مشتکی عنه مبادرت به اخذ وام از صندوق مزبور (شاکلی) کرده و ضمن قرارداد متعهد به پرداخت اقساط مربوطه شده است و چک نیز به عنوان تضمین پرداخت وام به صندوق حمایت تحویل داده لیکن پس از پرداخت ۱۶ قسط، از پرداخت بقیه اقساط خودداری کرده است که ناچاراً چک وی به بانک ارایه و منتهی به برگشت شده است و از این حیث، صدور چک بلامحل را خلاف شأن وکالت اعلام و دادسرا نیز به همین اعتبار کیفرخواست صادر کرده است و اینکه اگرچه دفاعیات انجام شده به وسیله مشتکی عنه به شرح صورتجلسه مورخ ۸۲/۱۱/۲۰ غیر منطقی و منطبق با قانون نمی باشد مع الوصف نظر به اینکه کیفری بودن چک صادره هنوز در محکمه حقوقی به اثبات نرسیده است و نفس صدور چک و برگشت آن بدون لحاظ شرایط موجود و چگونگی اصدار چک صادره، به نظر نمی رسد که واجد شرایط و اوصاف مربوط به خلاف شأن وکالت باشد علیهذا دادگاه ضمن رد شکایت مطروحه رأی به برائت مشتکی عنه صادر می کند.

ب) گزارش مربوط به پرونده کلاسه ۲۴۷/۸۲ شعبه دوم دادگاه انتظامی

دادسرای انتظامی کانون وکلای مرکز به شرح پرونده کلاسه ۲۴۷/۸۲ آقای.... وکیل دادگستری را براساس شکایت همسرش به این جهت تحت پیگرد انتظامی قرار داده است که حسب مدارک موجود در پرونده، مشارالیه پس از اخذ اجازه طلاق همسرش از دادگاه خانواده با پرداخت نحله، به جای آنکه در اجرای دادنامه صادره همسرش را مطلقه و حقوق مالی وی را بپردازد به انتظار انقضای مهلت اعتبار قانونی رأی دادگاه صادره نشسته و پس از سپری شدن مدت اعتبار آن مبادرت به طرح مجدد و دعوی طلاق کرده است به این امید که این بار دادگاه، با نحله کمتری اجازه طلاق همسرش را به وی بدهد و در این مدت همسرش را بلا تکلیف نگه داشته است دادسرا عمل ارتكابی

وکیل موصوف را در بلا تکلیف نگه داشتن همسر خود و طرح دعوی متعدد و مشابه برای طلاق با پرداخت کمترین نحله به وی، از مصادیق قسمت دوم بند یک ماده ۸۰ آیین نامه لایحه استقلال کانون تلقی و با صدور کیفرخواست از دادگاه برای وی تقاضای کیفر انتظامی کرده است لیکن شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون به شرح دادنامه شماره ۲۶۶۲ - ۸۳/۲/۲۲ به شرح زیر حکم به برائت وی صادر کرده است.

رای دادگاه:

در خصوص کیفرخواست صادره از طرف دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری بر علیه آقای.... که متعاقب شکایت خانم.... همسر آقای.... صادر و به این دادگاه جهت رسیدگی ارجاع شده است با توجه به قسمت اول بند یک ماده ۸۰ که وکیل دادگستری را از اشتغال به کار دیگری که با شؤن وکالت منافی باشد منع کرده است، ارتکاب اعمال و رفتار منافی شؤن که در قسمت دوم این ماده قید گردیده است نیز ناظر بر اعمال و رفتاری است که در مرئی و منظر عمومی و در محیط روابط اجتماعی صورت پذیرد. اعمال انتسابی صرف نظر از صحت و سقم آنها مربوط به روابط داخلی خانوادگی و زناشویی می باشد که از جهات مختلف نمی تواند از مصادیق اخیر بند یک ماده ۸۰ آیین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری تلقی شده لذا رأی بر برائت وکیل مشتکی عنه صادر و اعلام می گردد.

● نظر دادسرا:

وجوه مشترک آراء صادره این است که تخلفات انتسابی به وکلای تحت پیگرد انتظامی به حوزه وظایف وکالتی آنان مربوط نمی شود و حسب مورد به روابط اجتماعی و خانوادگی آنان مرتبط می شده است و تهاافت آنها از این جهت است که علی رغم داشتن این وجه مشترک یکی از شعب دادگاه انتظامی تجدیدفرش وکیل را بدون تحصیل اجازه از دادگاه که جنبه شخصی و خانوادگی محض داشته با قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ آیین نامه انطباق داده است ولی دو شعبه دیگر، عدم انجام تعهد در سر رسید تعیین شده و صدور چک بلامحل و نیز بلا تکلیف گذاشتن همسر خود را علی رغم صدور حکم طلاق، از مصادیق رفتار خلاف شأن وکیل ندانسته اند. برای تبیین بیشتر موضوع باید معنای ادبی اصطلاح «شأن یا شؤن» را که در بند یک ماده ۸۰ مورد حکم قرار گرفته است باز شناخت.

این اصطلاح که در محاورات روزانه مخصوصاً در مواردی که راجع به اخلاقیات بحث می‌شود زیاد به کار می‌رود به معنای «جایگاه» است. اعم از «جایگاه زمانی یا جایگاه مکانی» اصطلاح «شأن نزول آیات قرآنی»، ناظر به جایگاه زمانی نزول آیات است و وقتی صحبت از «شأن استادی و شاگردی» می‌شود منظور جایگاهی است که استاد را در مرتبه بالاتر و شاگرد را در مرتبه پایین‌تر از آن قرار می‌دهد در این اصطلاح، جایگاه مکانی اعتباری دو طرف مورد لحاظ واقع می‌شود.

قرار گرفتن در هر جایگاهی به معنای فوق، انتظاراتی را از شخصی که در آن جایگاه قرار گرفته است ایجاد می‌کند. این انتظارات تعریف شده نیست ولی در وجدان اجتماعی افراد یک جامعه حضور دارد و حسب مورد مجال بروز پیدا می‌کند. این انتظارات همان چیزی است که ما در اصطلاح به «شأن و شوون» از آن یاد می‌کنیم. در هیچ کتابی، غیر از تدریس که وظیفه تعریف شده استاد است شوون استادی احصاء نگردیده است. به همین ترتیب غیر از وظیفه تعلم که وظیفه شاگرد است شوون شاگردی در رابطه با استاد تعریف نشده است، اما در وجدان اجتماعی همه جوامع، غیر از تعلیم، از استاد انتظاراتی هست که از غیر استاد نیست و غیر از تعلم از شاگرد انتظار وظایفی نسبت به استاد هست که در روابط غیراستاد و شاگرد این وظایف موضوعیت ندارد.

در ارتباط با شأن وکیل نیز باید گفت: وظایف وکالتی وکیل، غیر از شوون وکالتی او است. وظایف وکیل را تعهدات و الزامات قانونی او در مقابل موکل و طرف دعوی و دستگاه قضائی تشکیل می‌دهد اما داشتن عنوان وکیل مسؤولیت‌های دیگری را در خارج از حیطه کاری وکیل برای او ایجاد می‌کند که ممکن است دارندگان سایر مشاغل دیگر این مسؤولیت را نداشته باشند. اصطلاح اخلاق حرفه‌ای دقیقاً در این ارتباط موضوعیت پیدا می‌کند. زیرا اگر گفته شود منظور از اخلاق حرفه‌ای، تعهدات و الزامات قانونی وکیل دادگستری در قبال اشخاص است، اطلاق اخلاق به الزامات قانونی نادرست خواهد بود چه اخلاقیات فاقد ضمانت اجرای قانونی است ولی قانون دارای ضمانت اجرای قانونی است. بنابراین می‌توان گفت: جامعه از وکلای دادگستری به اقتضای اینکه متعلق به جامعه حقوقدانان کشور بوده و جزو نخبگان جامعه و خواص به حساب می‌آیند و به دلیل تحصیل و آشنایی آنان با موازین قانونی جامعه، در احترام گذاشتن به قانون و حقوق شهروندان انتظار بیشتری را دارد. به عبارت دیگر

اگر رانندگی بدون پروانه برای افراد عادی، یک تخلف است برای وکیل دادگستری به عنوان مجری و متولی اجرای قانون در جامعه، یک خلاف بزرگ تلقی می شود. زیرا: «هر که در این باب مقرب تر است، جام بلایشترش می دهند». بی جهت نیست که در کشور امریکا مجازات رانندگی در حال مستی برای وکیل دادگستری ابطال پرونده وکالت است در حالی که افراد معمولی برای این کار فقط جریمه می پردازند و در همین راستا آقای کلینتون برای سوگند دروغی که در جریان بازجویی هایش خورده بود برای همیشه از داشتن پروانه وکالت ممنوع می شود.

بنابراین شأن وکالت ایجاب می کند صاحبان این حرفه همان گونه که جامعه از آنان انتظار دارد، در زندگی شخصی و اجتماعی نیز به حقوق دیگران و تعهدات اجتماعی و خانوادگی خود بیشتر از دیگران احترام بگذارند به عبارت دیگر رفتار خلاف شأن در ضمن وظایف قانونی وکیل خلاصه نمی شود بلکه در حوزه زندگی اجتماعی و خانوادگی او نیز موضوعیت پیدا می کند. وقتی از وکیلی رفتاری برخلاف قانون یا اخلاق عمومی مشاهده می شود علاوه بر مجازات قانونی مرتب بر عمل ارتكابی، افکار عمومی وی را از این جهت که وابسته به جامعه حقوقدانان است بیشتر قابل ملامت و سرزنش می داند این مجازات مضاعف همان چیزی است که از آن به شأن و شوون وکالت تعبیر می شود.

بنابه مراتب فوق به نظر دادرسی رأی شعبه دوم دادگاه انتظامی در پرونده کلاسه ۸۷۵/۶۷ که حوزه اعمال قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ را به زندگی خصوصی و اجتماعی وکیل دادگستری تسری است قابل تأیید است.

با احترام - دادستان انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز

دکتر نصراله قهرمانی

در تاریخ ۸۳/۸/۲۴ هیأت عمومی دادگاههای انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز بنابه دعوت دادرسی محترم کانون جهت بررسی آرای متهافت بعضی از دادگاهها تشکیل جلسه داده و آرای ذیل از شعب دوم (دو رأی) و پنجم (یک رأی) مطرح گردید:
۱. رأی شعبه دوم دادگاه انتظامی در پرونده شماره ۷۸۵/۶۸ که در آن وکیل

دادگستری را به لحاظ عدم تحصیل مجوز دادگاه صالح و اقدام به تجدیدفراش و تطبیق آن با بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه تخلفات که ناظر بر عمل خلاف شأن وکالت است مجازات و محکوم کرده است.

۲. رأی دیگر شعبه دوم دادگاه انتظامی در پرونده شماره ۲۴۷/۸۲ که بر اثر شکایت همسر وکیل دادگستری تشکیل شده بود موضوع شکایت این بوده که وکیل مشتکی عنه با تحصیل حکم طلاق برای آنکه نحله معین شده از سوی دادگاه را نپردازد در مهلت مقرر حکم را به اجرا درنیاورد تا باطل شد و سپس به منظور ادامه فشار زوجه مجدداً مبادرت به تقدیم دادخواست دیگری کرد دادگاه این شکایت را از مصادیق قسمت اخیر بند ۱ ماده ۸۰ ندانسته رأی بر براءت وکیل مشتکی عنه صادر کرده است.

۳. رأی صادره از شعبه پنجم دادگاه انتظامی در پرونده کلاسه ۱۵۰/۸۲ که در آن عمل وکیل دادگستری را در نقض تعهد و عدم پرداخت بقیه اقساط وام دریافتی از کانون و برگشت چک تضمینی وی از بانک محال علیه خلاف شأن تشخیص نداده و رأی بر براءت وی صادر کرده است.

۴. هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون پس از استماع عقیده آقای دادستان محترم کانون و نظرات عده‌ای از شرکت‌کنندگان و بحث و مذاقه در آراء طرح شده و مواد آیین‌نامه تخلفات چنین رأی داده است:

رأی هیأت عمومی:

هرچند از ظاهر مواد در آیین‌نامه تخلفات چنین مستفاد می‌شود که اعمال و رفتار وکیل دادگستری در آنجا که به عنوان خلاف شأن مدنظر قرار گرفته اعمال و رفتاری است که باید رابطه علیت با وظیفه وکالتی وی داشته باشد لیکن در همین آیین‌نامه مواردی نیز آورده شده که خارج از این محدوده و حوزه قرار دارد مثل تجاهر به استعمال مسکر و افیون در ماده ۷۹ که صرفاً جنبه شخصی دارد علاوه بر این در قسم‌نامه که تخلف از آن در بند ۳ ماده ۸۱ پیش‌بینی شده و تعیین مجازات گردیده است تصریح دارد که وکیل دادگستری در امور شخصی خود باید راستی و درستی را رویه خود قرار دهد و مدافع حق باشد، که ناظر به جهات اخلاقی وکیل دادگستری است لذا رأی شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون در پرونده شماره ۷۵۸/۶۸ که بر محکومیت وکیل مشتکی عنه در